

غیبت عجیب مجلس در روزهای سرنوشت ساز

مروری بر عملکرد مجلس یازدهم و اقدامات موثر آن در حوزه‌های بین الملل، سیاست خارجه و هسته‌ای؛ حاکی از حضور موثر نمایندگان ملت و در راس امور بودن مجلس به عنوان مهم‌ترین رکن قانونگذاری در کشور است. از جمله تاثیرگذاری در مذاکرات با آمریکا و تصویب قانون اقدام راهبردی. اما بالعکس در شرایط حساس کنونی خبری از حضور فعال و موثر مجلس در امور راهبردی و سرنوشت ساز یک ملت نیست.

۲



دعوت به تسلیم؟!!

جدیدترین گفتگوی تلویزیونی **سید عباس عراقچی**، و اشاره او به برخی مفاد تفاهم نامه در شرف امضاء با آمریکا، گمانه‌زنی‌ها درباره ادامه چرخه بدون انتهای **جنگ، مذاکره، آتش بس** را تایید کرد و نگرانی‌ها درباره آینده وضعیت کشور را به بالاترین میزان رسانده است.



گزارشی از خطای محاسباتی دولت در تدبیر اقتصادی ۵

جنگ، بازتاب ۷ یک محاسبه اشتباه



پشت پرده اصرار بر رقیق سازی

امیر شهشهانی
روزنامه نگار

یوآو گالات، وزیر جنگ سابق رژیم اسرائیل، در یادداشتی مفصل که در وبسایت شخصی خود منتشر کرده، ناخواسته یکی از مهم‌ترین اعترافات راهبردی سال‌های اخیر را بر زبان آورده است. وزیر جنگ سابق اسرائیل در بخشی از یادداشت خود تصریح می‌کند: «برآورد می‌شد که ذخیره اورانیوم ایران با غنای ۶۰ تا ۶۰ درصد، پیش از حملات، حدود ۴۴۰ کیلوگرم باشد». گالات اعتراف می‌کند که اسرائیل و آمریکا این فرصت را یک «پنجره راهبردی محدود» می‌دانند؛ فرصتی که به باور او به دلیل هزینه‌های سنگین سیاسی، نظامی و بین‌المللی به راحتی قابل تکرار نیست.

متن کامل در صفحه ۷

نوبنیاد از رویکرد متفاوت مجلس دوره‌های یازدهم و دوازدهم در قبال موضوعات کلان سیاست خارجی می‌دهد

غیبت عجیب مجلس در روزهای سرنوشت ساز

تأثیرگذاری در مذاکرات با آمریکا و تصویب قانون اقدام راهبردی. اما بالعکس در شرایط حساس کنونی خبری از حضور فعال و موثر مجلس در امور راهبردی و سرنوشت ساز یک ملت نیست.

مروزی بر عملکرد مجلس یازدهم و اقدامات موثر آن در حوزه‌های بین‌الملل، سیاست خارجه و هسته‌ای؛ حاکی از حضور موثر نمایندگان ملت و در اسامور بودن مجلس به عنوان مهم‌ترین رکن قانونگذاری در کشور است. از جمله



مذاکرات یک مطلبی را شما در پشت میز مذاکره به طرف مقابل می‌گویید، می‌گوید: «آقا! مجلس ما نمی‌گذارد، قانون داریم، نمیتوانیم»، از مجلس به عنوان یک پشتوانه در مذاکره استفاده می‌کنند. در چالشه‌ای گوناگونی که با دولت‌ها وجود دارد... طبیعتاً دولت در مسائل گوناگونی ممکن است چالشه‌ای داشته باشد. مجلس میتواند وزن سنگینی به دولت بدهد، دست دولت را بکشد؛ لذا حضور شما در مسائل سیاسی و بین‌المللی و مسائل دیپلماسی مهم است. «ایشان همچنین قانون اقدام راهبردی یک نمونه کار خوب مجلس قلمداد کرده و فرموده بودند: «در یک مواردی انتظار هست که نمایندگان در مجلس ناظر به این مسئله‌ی مهم سیاست خارجی یک حرفی بزنند، یک نطقی بکنند. در دنیا این کار معمول است؛ مثلاً فرض بفرمایید که رئیس کمیسیون سیاست خارجی فلان چیز را گفته؛ این در دنیا معروف میشود. خیلی از کارها را مجالس میکنند و دولت‌ها از پشتوانه‌ی اقدام مجالس استفاده می‌کنند.»

ایشان با اشاره به اینکه چگونه مجالس آمریکا دست مذاکره‌کنندگان کشورشان را پرمی‌کنند، فرموده بودند: «همین قانون جامع تحریم آمریکایی‌ها علیه جمهوری اسلامی، علیه ایران، این قانونی که معروف است به «سپس‌ادا»، این را مجلسشان تصویب کرد؛ البته رئیس جمهور دموکرات آن سال آدم دورویی بددل که هم دور بودند، هم بددل بودند، هم زرنگ بودند؛ از مسئولین ما زرنگ‌تر بودند که انصافاً آنسان در بعضی از مراودات [این را] می‌بینند امضا کردند آن را. میتوانست امضا نکند؛ ادعا میکرد که در قضیه‌ی مسئله‌ی هسته‌ای و مانند اینها می‌خواهد با ایران همکاری کند، همراهی کند؛ اقرار عین حال امضا کرد! قانون جامع را مجالسشان انجام دادند؛ مجالس این کارها را میکنند. بنابراین، مجلس در این زمینه میتواند فعال باشد.»

به تعبیری دیگر در نظام بین‌الملل، دیپلماسی تنها زمانی جواب میدهد که با «اعتبار تهدید» در میدان و «الزام قانون» در پارلمان پشتیبانی شود. حفظ این انسجام، تنها راه صیانت از حقوق ملت در هندسه نوین قدرت جهانی است.

به هزینه‌های تمحیلی بر معیشت ملت و هزینه‌مند کردن اقدامات تروریستی و فشارهای اقتصادی به گونه‌ای که دشمن بداند هیچ کنشی بدون پاسخ فنی متناسب باقی نخواهد ماند، را محقق ساخت. در حالی که در شرایط فعلی صحن مجلس با تعطیلی چندماه خود نه تنها مصوبه‌ای نداشته، بلکه باعث معطل ماندن طرح مدیریت تنگه هرمز شد. بطوری که بنابر برخی گزارشات از اخبار نوافق، تنگه هرمز ممکن است بازگشایی و فرصتی برای تنفس دشمن تلقی گردد.

قانون اقدام راهبردی در مجلس یازدهم در واقع، ریل‌گذاری دیپلماسی را از موضع «التماسی» به موضع «اقتداری» تغییر داد. در حالی که دولت وقت نگران بود این قانون مانع توافق شود، واقعیت میدانی نشان داد که غنی‌سازی سریع، تنها محرک واقعی در تغییر محاسبات واشنگتن در قبال ایران بود. از جمله اینکه علی‌اکبر صالحی رئیس‌پیشین سازمان انرژی اتمی ایران بعدها اذعان کرد که بدون این ظرفیت فنی، ایران هرگز نمی‌توانست در مذاکرات «دست بالاتر» را داشته باشد.

مجلس دست دولت را بر کند

همچنین رهبر شهید انقلاب در بیانات ۲۱ خرداد ۱۴۰۴ در دیدار با نمایندگان مجلس به موثر بودن و تأثیرگذار بودن مجلس اشاره و تأکید کرده بودند: «(مجلس باید) نشانه‌ی عزم و اقتدار باشد، بخصوص در فضای خارجی؛ یعنی شما باید جوری حرف بزنید که نشانه‌ی عزم باشد، نشانه‌ی اقتدار باشد، نشانه‌ی این باشد که ملت - که شما نماینده‌اش هستید - دارای عزم است، دارای اراده است، اراده‌ی ملکی اراده‌ی محکمی است، دارای اقتدار است.»

رهبر شهید انقلاب همچنین در ۳۱ تیر ۱۴۰۳ در دیدار با نمایندگان مجلس درباره‌ی حضور مجلس در موضوعات جهانی و مسائل مربوط به سیاست خارجی فرموده بودند: «مجلس یک وزنه‌ی سنگین است؛ دولتها در دنیا از این وزنه‌ی سنگین مجالس خودشان استفاده میکنند؛ هم در مذاکرات، هم در تعامل، هم در مشارکتهای عملی. در

هادی هدایت‌زاده

روزنامه‌نگار

از جمله مهمترین وجه تمایزات دوره قبلی و فعلی مجلس در حوزه تأثیرگذاری در امور سرنوشت ساز، تصویب قانون اقدام راهبردی بود که مورد تمجید رهبر شهید انقلاب نیز قرار گرفته بود.

«قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» در پاسخ به بن‌بست ناشی از خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام و ناکارآمدی تعهدات ۴+۱ (به‌ویژه طرف‌های اروپایی) تدوین و تصویب شد. فضای ملتهب آذر ۱۳۹۹، بستر را برای یک «اجماع راهبردی» در مجلس یازدهم فراهم کرد. با تصویب کلیات این طرح با ۲۵۱ رأی موافق (بیش از ۹۰ درصد آراء)، پیامی صریح از سوی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، توسط مجلس شورای اسلامی به جامعه بین‌المللی مخابره شد.

از منظر راهبردی، این تغییر رویکرد با هدف بازسازی «موازنه بازدارندگی» صورت گرفت. با خروج از لاک انفعال، ایران «هزینه تحریم» را برای طرف مقابل به شدت افزایش داد و بازی را از حالتی یک‌طرفه به تقابلی پرهزینه تبدیل کرد. در واقع، ابزار هسته‌ای از یک موضوع فنی صرف به یک «اهرم فشار سیاسی» برای اعتباربخشی به تهدیدات ایران بدل گشت.

این در حالی است که طی یکصد روز گذشته ورد و بدل شدن پیام‌ها و از سرگیری مذاکرات اسلام‌آباد، تاکنون حضور و نقش موثری از مجلس در مذاکرات دیده نمی‌شود. مگر در مواردی جزئی که آنهم نمایندگانی در حال کنشگری هستند که بارها در مواضع خود خواستار بازگشایی مجلس شده بودند.

افول شدید مجلس از رکن تصمیم‌گیری

به عبارت دیگر در قیاس اثرگذاری دو مجلس یازدهم و دوازدهم شاهد افول شدید مجلس از رکن تصمیم‌گیری مجلس بودیم. مجلس یازدهم با تصویب قانون اقدام راهبردی، اهداف محوری مبنی بر احیای ظرفیت‌هایی که تحت محدودیت‌های داوطلبانه برجام متوقف شده بود، تغییر موازنه در تعهدات و پاسخ

خبر کوتاه

جزئیات مراسم وداع، تشییع و تدفین رهبر شهید انقلاب

روز گذشته ستاد بزرگداشت عروج خونین امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله‌عظمی سید علی خامنه‌ای در اطلاعیه‌ای جزئیات مراسم وداع، تشییع و تدفین ایشان را تشریح کرد. در بخشی از متن اطلاعیه شماره ۳ ستاد بزرگداشت آمده است: پیرو اطلاعیه‌های پیشین این ستاد و با عنایت به برنامه ریزی‌های انجام‌شده، به اطلاع عموم مردم شریف و عزادار می‌رساند مراسم وداع، تشییع و تدفین پیکر مطهر آن امام مجاهد شهید و اعضای خانواده ایشان، شهیدان بزرگوار دکتر مصباح‌الهدی باقری‌کنی، سیده‌بشری حسینی خامنه‌ای، زهرا حداد عادل و زهرا محمدی گلپایگانی (رضوان‌الله‌علیهم اجمعین) به شرح زیر برگزار خواهد شد: روزهای شنبه ۱۳ و یکشنبه ۱۴ تیرماه ۱۴۰۵ مصادف با نوزدهم و بیستم ماه محرم: مراسم وداع با پیکر مطهر در مصلا امام خمینی (قدس‌سره) تهران. روز دوشنبه ۱۵ تیرماه ۱۴۰۵ مصادف با بیست و یکم ماه محرم: مراسم تشییع در تهران. روز سه‌شنبه ۱۶ تیرماه ۱۴۰۵ مصادف با بیست و دوم ماه محرم: مراسم تشییع در شهر مقدس قم. روز پنج‌شنبه ۱۸ تیرماه ۱۴۰۵ مصادف با بیست و چهارم ماه محرم و شب شهادت امام سجاد علیه‌السلام: مراسم تشییع در مشهد مقدس و تدفین در حرم ملکوتی امام رضا (علیه‌آلاف‌التحیة والثناء)

توافق خسارت‌بار نشان داد قالیباف چرا مجلس را بیش از ۴ ماه تعطیل کرد

نماینده مردم قم در حساب‌کارببری خود در ویراستی در واکنش به توییت اخیر قالیباف که مبنی بر تأیید اخبار مذاکرات با آمریکا است، نوشت: «الان معلوم شد که چرا آقای قالیباف مجلس را از اعتبار انداخت و بیش از ۴ ماه صحن مجلس را تعطیل کرد!!» وی افزود: «به پیام دکتر قالیباف در شبکه ایکس بنگرید ایشان با این توییت رسماً از توافقنامه سراسر خسارت‌بار حمایت می‌کند و معتقد است راه دیگری وجود ندارد!!» رئیس مجلس شورای اسلامی در توییتی نوشته بود: «باید به تعهداتی که داده شده عمل شود، بدون هیچ‌اما و اگر و بهانه‌ای. برای توافق نزدیک پیش‌رو راه دیگری نیست. هر کسی در نهایت چیزی را درو می‌کند که کاشته است.»

نبیلی: مردم اجازه تحمیل «کاپیتولاسیون جدید» را ندهند

مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی، در واکنش به اخبار مربوط به توافق احتمالی با آمریکا در حساب‌کارببری خود در ویراستی خطاب به مردم کشورمان نوشت: «لطفاً ساکت ننشینید! لطفاً حتی ساکن نایستید!» وی با بیان اینکه با «اطلاع و صراحت کامل» سخن می‌گوید، افزود: «همان‌عده قلیل که روز ششم جنگ از دشمنان ایران پوزش طلبیدند، اکنون با اصرار و فشار در حال تحمیل ننگی مانند برجام و فاجعه‌ای شبیه کاپیتولاسیون به جمهوری اسلامی ایران هستند و می‌خواهند رهبر عزیز ما و ملت برانگیخته ما را تسلیم کنند.» نبیلی در ادامه تأکید کرد: «حاشا و کلاً!» و افزود: «باید با فریاد و قدرت خیابان، به دشمن و برخی سیاسیون فهمانید که ما مردم از خطوط قرمز واضح رهبرمان نمی‌گذریم و توافق ذلت‌آور با شیطان و قاتل امام خویش را هرگز نمی‌پذیریم.»

جناب قالیباف! مخاطب این نوشته شخص شما هستید

امیرحسین ثابتی نماینده تهران در کانال خود نوشت: صحبت‌های عراقچی وزیر خارجه در برنامه شب گذشته گفتگوی ویژه خبری را با دقت دیدم. حجم اطلاعات نادرست، غلط و گمراه‌کننده وی درباره توافق احتمالی یادآور توجهاتش درباره برجام بود. برجامی که می‌گفتند برای ایران یک پیروزی است و چیزی به اسم مکانیسم ماشه در آن وجود ندارد اما بعد از ۱۰ سال مشخص شد هرچه منتقدان گفتند درست بود و نهایتاً یکی از علت‌های اصلی تضعیف کشور و شروع جنگ علیه ایران همان برجام بود.

اما خطاب به جناب قالیباف رئیس مجلس است! جناب قالیباف! وزیر خارجه در همین گفتگوی دیشب از پذیرش مسئولیت این توافق شانه خالی کرد و آن را گردن شما انداخت. لذا بهتر است بدانید تبعات این توافق، برگردن جنابعالی خواهد بود و البته که ما از مفاد آن هیچ‌بوی خوبی استشمام نمی‌کنیم. کاش سابقه سال‌ها جبهه و جهادتان را اینطور پای گفتگو با قاتلان حاج قاسم و رهبر شهید انقلاب بر باد ندهید. توافقی که علیرغم رضایت رهبر انقلاب و مملو از نقض خطوط قرمز ایشان، باقی ماندن تحریم‌ها، از دست رفتن تنگه هرمز و تثبیت سایه جنگ بر سر کشور باشد نه خیر دنیا را برای شما خواهد داشت و نه خیر آخرت را.

نوبنیاد تاریخچه مذاکرات نافرجام ایران و آمریکا در دوره ترامپ را بررسی کرد

تسلیم؛ نتیجه چرخه بی‌انتهای مذاکره جنگ

مروری بر تاریخچه مذاکرات غیررسمی ایران و آمریکا حاکی از بدعهدی، بی‌اعتمادی و دروغ‌گویی طرف آمریکایی است. موضوعی که با وجود بارها تجربه و تلاش در احیای روابط از سوی ایران، به سبب باج‌خواهی و زورگویی طرف مقابل که همواره مطالبه تسلیم بدون قید و شرط ملت ایران را داشته، به نتیجه‌ای نرسیده است. با این وجود، برخی تصمیم‌گیران در کشور طی این سال‌ها با اصرار بر ادامه مسیر غلط و پرهزینه مذاکره، علاوه بر تحمیل دو جنگ تحمیلی، منجر به شهادت رسیدن قائد امت اسلام و هزاران نفر از هموطنانمان شدند.

امیرحسین درکی
روزنامه‌نگار

در ۱۷ اسفندماه ۱۴۰۳ بود که رئیس‌جمهور دولت تروریستی آمریکا اعلام کرد که نامه‌ای برای رهبر شهید انقلاب حضرت آیت‌الله‌عظمی‌ای ارسال کرده است. نامه‌ای که بنا بر اعلام برخی از منابع خبری، در آن خواسته‌های بدین شرح آمده بود: ۱. برچیدن برنامه هسته‌ای؛ ۲. توقف غنی‌سازی اورانیوم؛ ۳. توقف ارسال سلاح به حوثی‌ها؛ ۴. توقف حمایت مالی از حزب‌الله. انحلال گروه‌های حشدالشعبی عراق؛ ۶. ایران دوماه فرصت دارد تا این خواسته‌ها را اجرا کند؛ ۷. در این صورت، آمریکا تحریم‌ها را برمی‌دارد و انزوای این کشور را پایان می‌دهد؛ ۸. جایگزین مذاکرات: اقدام نظامی گسترده.

مذاکره با آمریکا عاقلانه و شرافتمندانه نیست

رهبر شهید انقلاب در ۱۸ اسفند ۱۴۰۳ در دیدار با مسئولان نظام، در واکنشی غیرمستقیم پاسخ رئیس‌جمهور متوهم دولت تروریستی آمریکا را دادند و فرمودند: «اینکه بعضی از دولت‌های قلدر – واقعاً بنده هیچ تعبیری مناسب‌تر برای بعضی از شخصیت‌ها و رؤسای خارجی جز همین کلمه قلدر سراغ ندارند. اصرار به مذاکره می‌کنند، مذاکره آنها برای حل مسائل نیست، برای تحکیم است.» ایشان در بخشی دیگر فرمودند: «مسئله فقط مسئله هسته‌ای نیست که حالا راجع به مسائل هسته‌ای صحبت کنند؛ توقعات جدیدی را مطرح می‌کنند که این توقعات جدید از طرف ایران قطعاً برآورده نخواهد شد؛ [مثلاً] راجع به امکان دفاعی کشور، راجع به توانایی‌های بین‌المللی کشور، که فلان کار رانکنید، فلان کس را نبینید، فلان جا نروید، فلان چیز را تولید نکنید، بُرد موشکتان از آن فلان قدر بیشتر نباشد! مگر کسی می‌تواند این‌ها را قبول کند؟ مذاکره برای این چیزهاست. و البته اسم مذاکره را هم تکرار می‌کنند برای اینکه حالا در افکار عمومی یک فشاری ایجاد کنند.»

علاوه بر این، رهبر شهید انقلاب در ۲۲ اسفند ۱۴۰۳ صریحاً راجع به نامه ادعایی ترامپ فرمودند: «اذا چند جمله در مورد این مسئله اخیر آمریکا و این دعوت به مذاکره و از این حرف‌ها. اولاً اینکه رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید ما آماده هستیم با ایران مذاکره کنیم و به مذاکره دعوت [می‌کند] و ادعا می‌کند که نامه‌ای فرستاده – که البته به ما نرسیده؛ یعنی به من نرسیده – به نظر من این فریب افکار عمومی دیاست؛ این معنایش آن است که ما اهل مذاکره ایم، می‌خواهیم مذاکره کنیم، صلح کنیم، دعوا نباشد، ایران حاضر به مذاکره نیست. خب، ایران چرا حاضر به مذاکره نیست؟ به خودتان برگردید. ما چند سال نشستیم مذاکره کردیم، همین شخص، مذاکره تمام شده کامل شده امضاء شده را از میز بیرون انداخت و پاره کرد؛ با این آدم چه جور می‌شود مذاکره کرد؟» همچنین تأکید کردند که: «در مذاکره باید انسان مطمئن باشد که طرف مقابل به آنچه متعهد شد عمل خواهد کرد. وقتی می‌دانیم عمل نمی‌کند، چه مذاکره‌ای؟ بنابراین، دعوت به مذاکره و اظهار مذاکره، فریب افکار عمومی است.» با وجود هشدار صریح رهبر شهید انقلاب درباره بی‌نتیجه بودن مذاکره با آمریکا – از جمله سخن صریح ایشان در ۱۹ بهمن ۱۴۰۳ که فرمودند: «مذاکره



مرگ برجام و فعال‌سازی مکانیسم ماشه

با این حال در مهرماه ۱۴۰۴، تلاش‌های دیپلماتیک برای مذاکره ادامه پیدا کرد. اما نهایتاً در ۶ مهر ۱۴۰۴، تروئیکای اروپایی با حمایت واشنگتن، مکانیسم ماشه را فعال کردند که این اقدام منجر به بازگشت ۶ قطعنامه تحریمی شورای امنیت سازمان ملل شد که برای یک دهه تعلیق شده بودند و عملاً پایان رسمی برجام را رقم زد. بعد از آن، در اواخر مهر ۱۴۰۴، دونالد ترامپ اعلام کرد که واشینگتن آماده رسیدن به توافق است. عراقچی در پاسخ اظهار داشته بود که ایران هر پیشنهاد «عادلانه و متوازنی» را بررسی می‌کند، هرچند در آن زمان چارچوب مشخصی ارائه نشده بود و پیام‌ها صرفاً از طریق واسطه‌ها تبادل می‌شد. در دی‌ماه، فضای مذاکرات تحت تأثیر تنش‌های میدانی و داخلی قرار گرفت و عملاً از وضعیت دیپلماتیک خارج شد. در این ماه، آمریکا اعزام بی‌سابقه تجهیزات نظامی از سراسر جهان به سوی خلیج فارس را آغاز کرد که نشان‌دهنده تغییر وضعیت از مذاکره به آرایش جنگی بود و تهدیدات علنی علیه رهبر شهید انقلاب شدت گرفت.

مذاکرات در بهمن و اسفند ۱۴۰۴

مذاکرات همچنین در بهمن‌ماه ۱۴۰۴ ادامه داشت از جمله در ۱۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۴ مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا با واسطه عمان و به صورت غیرمستقیم در شهر مسقط پایتخت سلطنت عمان در جریان بود. همچنین در اسفند ۱۴۰۴ مذاکرات میان ایران و آمریکا ادامه داشت از جمله اینکه در دور سوم مذاکرات هسته‌ای غیرمستقیم ایران و آمریکا با واسطه عمان که پنجمین هفتم اسفندماه در دو نوبت صبح و عصر در ژنو برگزار شده بود. سید عباس عراقچی، ۷ اسفندماه پس از پایان دور سوم مذاکرات ایران و آمریکا در خصوص مسائل مطرح‌شده در این دور از مذاکرات اظهار داشته بود: «یکی از جدی‌ترین ادوار مذاکراتی ما بود، و هم به صورت غیرمستقیم بحث‌ها بین دو طرف تبادل شد. در این چندین ساعت طولانی پیشرفت خوبی داشتیم و جدی وارد عناصر یک توافق شدیم.» در همین ایام بود که عراقچی در گفت‌وگو با ایندپا تودی درباره جایگزینی رهبری در صورت ترور، اظهاراتی در خصوص جایگزینی مطرح کرده بود.

و سرانجام در ۱۹ اسفند ۱۴۰۴، جنگ تحمیلی ۴۰ روزه با به شهادت رسیدن قائد امت اسلام آغاز گردید. بعد از رشادت نیروهای مسلح کشورمان، در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۴۰۵ آتش‌بس اعلام و مذاکرات اسلام‌آباد آغاز شد.

در نهایت، مروری بر تحولات میدانی یک ماه اخیر حاکی از نقض گسترده آتش‌بس توسط جبهه آمریکایی-صهیونیستی بود. موضوعی که با حملات فرسایشی ارتش آمریکا به نواز ساحلی جنوب کشورمان و همچنین حملات روزانه اسرائیل به لبنان ادامه یافت. سرانجام طی هفته گذشته شدت درگیری‌ها افزایش پیدا کرد که با عقب‌نشینی ترامپ، موقتاً درگیری‌ها پایان یافت و اخبار توافق مطرح و مذاکره مجدد با آمریکا موسوم به طرح ۱۴ بندی آغاز شد. و باید منتظر ماند دور بعدی نقض آتش‌بس و بدعهدی آمریکا چه زمانی است؟!

یادداشت

مدافعان مذاکره با چه استدلالی در

حال اجتماعی‌سازی تسلیم هستند؟

سیدمرتضی موسوی‌نژاد

فعال رسانه و پژوهشگر حقوق عمومی

اشتباه یعنی آنکه با این استدلال که در محاصره کالای اساسی هستیم و داروی ما در حال اتمام است، پس فعلاً بیاییم یک تنفسی بکشیم، مقداری ارز از محل پول‌های بلوکه شده بگیریم (اگر چنین ارزی داد) و برای ماه بعدی آماده بشویم. پاسخ این است که اگر دشمن طعم شیرین موفقیت محاصره را چشید و تورا وادار به عقب‌نشینی کرد، دوباره هم این اقدام را پس از یک انتخابات موفق، تکرار خواهد کرد.

اشتباه یعنی اینکه استدلال کنی که توان نظامی ما آسیب خورده است و از فرصت تنفس برای تقویت آن استفاده کنیم. پاسخ این است که دشمن که محدودیت مالی در عرصه نظامی ندارد و صرفاً زمان بیشتر برای تولید بیشتر ادوات نظامی نیاز دارد و این فرصت کمک بیشتری برای او نسبت به ماست.

اشتباه یعنی اینکه استدلال کنی چون کالای اساسی و واردات به مشکل خورده مردم دست به اعتراض خواهند زد و دشمن جری خواهد شد. پاسخ این است که شرایط را برای مردم تبیین کنید که تا پایان شهریور کار برای دشمن از حیث ذخایر سوخت جهانی و انتخابات کنگره در آبان ماه سخت خواهد شد و احتمال شکسته شدن خود به خود محاصره به خاطر نیاز به نفت ایران زیاد خواهد شد. ثانیاً به همان دلایلی که تحریم‌های ۹۱ مستهلک شد و کشور به راه خود ادامه داد، اگر مسئولان با کارآمدی داشته باشیم این چهار ماه را هم می‌توان تحمل کرد با مرزهای زمینی (به خصوص از طریق ریل) و هوایی.

اشتباه یعنی اینکه استدلال کنی که قیمت مرغ و گوشت قرمز و برخی اقلام بالا رفته ولی نبینی که برداشتن ارز ترجیحی تأثیر بسزایی در افزایش قیمت این اقلام داشته است. اشتباه یعنی اینکه استدلال کنی که اگر تنگه را (بدون کسب درآمد از آن) باز کنیم هر لحظه که خواستیم آن را دوباره می‌بندیم. پاسخ آن است که اگر سخن رسانه‌های غربی مبنی بر وجود مین‌های دریایی در تنگه درست باشد و آن‌ها از این فرصت برای پاکسازی مین‌ها استفاده کنند، آن وقت فرصت بسته شدن تنگه هم از شما گرفته می‌شود.

میدان

سردار شکارچی: ترامپ به دنبال فرار

آبرومندانه از جنگ است

سخن‌گوی ارشد نیروهای مسلح در گفت‌وگویی با اشاره به مواضع و اظهارات اخیر دونالد ترامپ اظهار داشت: ترامپ آن قدر که در میدان شعار، توییت و فضا‌سازی رسانه‌ای فعال است، در میدان عمل ضعیف و ناتوان نشان داده است. سردار شکارچی با اشاره به اقدامات آمریکا در منطقه تصریح کرد: ترامپ هر جنباتی که مرتکب شده، چندین برابر آن خسارت دیده است و در آینده نیز خسارت‌های بیشتری متحمل خواهد شد. وی در پایان خاطرنشان کرد: امروز ترامپ به دنبال راهی برای خروج از این جنگ و بحران‌هاست و تلاش می‌کند راه فراری آبرومندانه برای خود پیدا کند، اما جمهوری اسلامی ایران اجازه نخواهد داد آمریکا و ترامپ به صورت آبرومندانه از تبعات اقدامات خود رهایی یابند.

عدد خبر

۲۳

استان

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب کشور با اشاره به وضعیت منابع آبی و برنامه‌های مدیریت مصرف گفت: بر اساس آمار ۵۷ ساله، میزان بارش در تهران شرایط مطلوبی ندارد؛ به‌طوری‌که در سال آبی جاری حدود ۱۶۲ میلی‌متر بارش ثبت شده است. این ارقام نشان می‌دهد که با شرایط مناسبی مواجه نیستیم. هرچند در برخی سدها از جمله سد کرج و لار افزایش حجم مشاهده شده، اما این موضوع ناشی از مدیریت مخزن و ملاحظات فنی است. هاشم امینی ادامه داد: بر اساس گزارش‌های سازمان هواشناسی، تنها ۱۲ استان وضعیت بارش نرمال دارند و ۱۳ استان زیر نرمال هستند که نشان می‌دهد در برخی شهرها با تنش آبی مواجهیم، در مجموع حدود ۲۳ استان درگیر تنش آبی هستند.

عدد خبر

۲

قیمت نفت خام برنت تحت تأثیر خوش بینی معامله‌گران نسبت به نزدیک شدن ایران و آمریکا به یک چارچوب توافق، به پایین‌ترین سطح خود از اوایل مارس سال جاری میلادی رسید. قیمت آتی نفت برنت روز جمعه گذشته (آخرین روز کاری هفته میلادی) با ۳ دلار و ۵ سنت (۳۰.۳۷ درصد) کاهش، در ۸۷ دلار و ۳۳ سنت در هر بشکه بسته شد. قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمدیت (WTI) آمریکا نیز با ۲ دلار و ۸۳ سنت (۳۰.۲۳ درصد) کاهش، به ۸۴ دلار و ۸۸ سنت در هر بشکه رسید که پایین‌ترین سطح شاخص نفت آمریکا از ۱۷ آوریل است. با این حال، یک نکته قابل توجه این است که ذخایر نفت جهانی و منطقه‌ای هنوز پایین است و حتی با وجود توافق نیز می‌تواند کاهش یابد، زیرا تضمین جریان بی‌وقفه نفت زمان می‌برد.

عدد خبر

۱۲۳

درصد

دبیر انجمن صنایع شوینده ایران گفت: در شرایط فعلی، افزایش قیمت مواد اولیه پتروشیمی تصمیمی پرهزینه و آسیب‌زا برای اقتصاد و معیشت مردم خواهد بود. حسام بیگدلو با بیان اینکه قیمت جهانی محصولات پتروشیمی نسبت به قبل از جنگ در برخی موارد بیش از دو برابر شده است، افزود: اگر مبنای قیمت‌گذاری دوباره به نرخ جهانی بازگردد، در برخی اقلام شاهد افزایش ۱۲۳ درصدی نسبت به قبل خواهیم باشیم. این در حالی است که تثبیت قیمت‌ها در ماه‌های گذشته مانع از بروز شوک تازه در بازار شده بود. درخواست داریم تثبیت قیمت محصولات پتروشیمی برای سه تا پنج ماه آینده تمدید شود و در این مدت، دولت و بخش خصوصی در فضایی کارشناسی درباره اصل فرمول قیمت‌گذاری به جمع‌بندی برسند.

عدد خبر

۴۰

سال

بلمبرگ گزارش داد: قیمت گوجه‌فرنگی در آمریکا به بالاترین سطح خود در ۴۰ سال گذشته رسیده و افزایش شدید قیمت‌ها، تقاضای مصرف‌کنندگان را کاهش داده است. قیمت هر پوند (۰.۴۵۴ کیلوگرم) گوجه‌فرنگی پس از جنگ آمریکا علیه ایران به ۲.۶۹ دلار افزایش یافته است. از سوی دیگر، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و رشد قیمت سوخت نیز به گرانی محصولات دامن زده است. جاکوب کرمپل، تحلیلگر بازرگانی در آمریکا می‌گوید: «این تازه آغاز راه است و در ماه‌های آینده خبرهای بیشتری درباره افزایش قیمت مواد غذایی، به‌ویژه در بخش صیفی‌جات خواهیم شنید. کاهو از جمله محصولاتی است که احتمالاً در روزهای آینده با افزایش قیمت مواجه خواهد شد.»

نوبند گزارش می‌دهد:

آغاز جست‌وجو برای ارزی که تحریم نشود

جنگ رمضان بار دیگری واقعیت مهم را پیش روی سیاست‌گذاران اقتصادی کشور قرار داد: اقتصاد ایران همچنان بیش از اندازه به دلار وابسته است. اگرچه طی سال‌های گذشته تحریم‌ها موجب شده بخشی از مبادلات خارجی کشور از مسیرهای غیرمتعارف و خارج از شبکه رسمی مالی جهان انجام شود، اما همچنان دلار در بسیاری از فرآیندهای تجاری، ارزی و حتی ذهنیت فعالان اقتصادی نقش محوری دارد. همین وابستگی باعث شده هراختلالی در دسترسی به منابع ارزی یا هر شوک سیاسی و امنیتی، به سرعت خود را در بازار ارز، قیمت کالاها و سطح عمومی قیمت‌ها نشان دهد.

جهان در مسیر چندقطبی شدن پولی

همزمان با تلاش ایران برای کاهش وابستگی به دلار، تحولات اقتصاد جهانی نیز در حال تغییر معادلات سنتی پولی است که سهم دلار را به ۵۸ درصد کاهش داده است. در همین حال، رشد سریع اقتصاد چین نیز عامل مهم دیگری در شکل‌گیری نظم پولی جدید محسوب می‌شود. چین اکنون بزرگ‌ترین شریک تجاری بسیاری از کشورهاست و تلاش می‌کند نقش یوان را در تجارت بین‌المللی گسترش دهد. امروز روسیه، چین، برزیل و حتی عربستان سعودی بخشی از مبادلات خود را با ارزهای ملی یا یوان انجام می‌دهند. توسعه یوان دیجیتال و ایجاد شبکه‌های پرداخت مستقل نیز بخشی از همین راهبرد است. هرچند دلار همچنان ارز غالب جهان محسوب می‌شود و سهم عمده‌ای از مبادلات مالی بین‌المللی را در اختیار دارد، اما روند کلی اقتصاد جهانی به سمت چندقطبی شدن حرکت می‌کند؛ روندی که برای کشورهایی تحت فشار تحریم مانند ایران می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای ایجاد کند.

فرصت بریکس برای ایران

عضویت ایران در گروه بریکس نیز از منظر ارزی اهمیت ویژه‌ای دارد. کشورهای عضو این بلوک اقتصادی در سال‌های اخیر به طور جدی به دنبال کاهش وابستگی به دلار بوده‌اند. ایده ایجاد ارز مشترک بریکس، توسعه سامانه‌های پرداخت مستقل و گسترش استفاده از ارزهای ملی در تجارت، بخشی از برنامه‌های بلندمدت این مجموعه است. اگرچه تحقق کامل این اهداف زمان‌بر خواهد بود، اما حضور فعال کشورمان در این روند می‌تواند زمینه دسترسی کشور به ابزارهای جدید مالی را فراهم کند و بخشی از محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های غرب را کاهش دهد.

واقعیت این است که حذف دلار از اقتصاد ایران نه ممکن است و نه در کوتاه‌مدت مطلوب، زیرا دلار همچنان مهم‌ترین ارز ذخیره جهان و معیار قیمت‌گذاری بسیاری از کالاهای اساسی است، اما آنچه اهمیت دارد، کاهش وابستگی کشور به دلار در تجارت خارجی و نقل‌وانتقالات مالی است. جنگ رمضان نشان داد که امنیت اقتصادی کشور تنها با افزایش درآمدهای ارزی تأمین نمی‌شود، بلکه به کیفیت مدیریت این منابع و نحوه اتصال ایران به شبکه تجارت جهانی نیز بستگی دارد.



نیما سهیلی

روزنامه‌نگار



کاهش سهم دلار در ذخایر جهانی

جمشید عدالتیان، نایب‌رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران: سهم دلار از ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی جهان که در سال ۲۰۰۵ حدود ۷۱ درصد بود، اکنون به حدود ۵۸ درصد کاهش یافته است. استفاده سیاسی آمریکا از دلارو تحریم کشورهایی مانند ایران و روسیه، بسیاری از دولت‌ها را به

اکنون و در شرایطی که کشور تجربه جنگ رمضان و پیامدهای آن را پشت سر گذاشته است، بسیاری از کارشناسان معتقدند راهبرد ارزی ایران باید از «دور زدن تحریم» به سمت «بی‌اثر کردن تحریم» تغییر کند. در این چارچوب، کاهش نقش دلار در تجارت خارجی و حرکت به سمت استفاده از ارزهای ملی، پیمان‌های پولی دوجانبه و سازوکارهای جدید تسویه مالی بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. در سال‌های گذشته، سیاست غالب کشور در مواجهه با تحریم‌های مالی، ایجاد مسیرهای جایگزین برای انتقال پول و فروش نفت بوده است. استفاده از شرکت‌های واسطه، حساب‌های تراستی، شبکه‌های چندلایه انتقال ارز و روش‌های مختلف دور زدن تحریم، هرچند امکان ادامه تجارت خارجی را فراهم کرد، اما هزینه‌های سنگینی نیز به اقتصاد کشور تحمیل کرد. کارمدهای بالا، عدم شفافیت، افزایش زمینه‌های فساد، بلوکه شدن منابع مالی و آسیب‌پذیری در برابر فشارهای خارجی از جمله پیامدهای این شیوه بود. تجربه‌های متعدد نشان داده که هر زمان یکی از این مسیرها مسدود شده، بازار ارز داخلی نیز دچار تنش شده است. نمونه بارز این موضوع، مشکلات ایجاد شده در بازگشت منابع ارزی حاصل از صادرات نفت در سال ۱۴۰۴ بود که همزمان با اختلال در برخی کانال‌های انتقال پول، بازار ارز کشور با جهش‌های شدید مواجه شد. این اتفاق نشان داد اتکای بیش از حد به سازوکارهای واسطه‌ای، امنیت اقتصادی کشور را با مخاطره مواجه می‌کند. از همین رو بسیاری از کارشناسان معتقدند دوران اتکا به روش‌های سنتی دور زدن تحریم به پایان رسیده و کشور باید به سمت سازوکارهایی حرکت کند که اساساً ابزار تحریم را کم‌اثر کنند.

خروج اقتصاد از سایه دلار

یکی از مهم‌ترین راهکارهای مطرح شده، انعقاد پیمان‌های پولی دوجانبه با شرکای اصلی تجاری ایران است؛ راهکاری که سال‌هاست توسط کشورهایی مانند چین، روسیه، هند و برزیل نیز دنبال می‌شود. در این مدل، دو

تالار شیشه‌ای

شنبه سبز بازار سهام با سیل تقاضا

بازار سهام دیروز (شنبه، ۲۳ خرداد ۱۴۰۵) در ادامه سه هفته گذشته، یک روز طوفانی و سراسر سبز را پشت سر گذاشت. شاخص کل بورس تهران پس از عبور از سقف تاریخی که در روز چهارشنبه تجربه کرده بود، اوایل نیمه نخست معاملات دیروز تا ۴ میلیون و ۷۱۳ هزار واحد بالا رفت و سقف جدیدی را ثبت کرد، اما در ادامه کمی عقب‌نشینی کرد و در نهایت در ارتفاع ۴ میلیون و ۶۹۶ هزار واحد ایستاد. در پیش‌گشایش معاملات حدود ۵۴ هزار میلیارد تومان تقاضای خرید در تابلوی معاملات ثبت شد. با این حال، معاملات با ۴۷ هزار میلیارد تومان صف خرید و سب‌پوش بودن ۹۹ درصد نمادها آغاز شد. البته در ادامه، ۱۰۰ درصد نمادها در محدوده مثبت قرار گرفتند و بیش از ۶ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان پول افراد حقیقی وارد سهام و صندوق‌های سهامی شد. صندوق‌های درآمد ثابت نیز با خروج پول خرد روبه‌رو بودند و ۲۱۰۰ میلیارد تومان پول از این صندوق‌ها خارج شد.

در پایان دادوستدها، ۳۶ هزار میلیارد تومان از صف‌های خرید بدون عرضه باقی ماند و ۶۸۷ صف خرید و تنها ۴ صف فروش بر روی دو حق تقدم، به عنوان سرخطی‌های در ماشین معاملات باقی ماند. بیشترین ارزش معاملات را گروه‌های بانکی با ۱۰۷ هزار میلیارد تومان، خودرویی با ۱۰۱ هزار میلیارد تومان و معدنی با ۷۰۰ میلیارد تومان ثبت کردند؛ پس از آن نیز گروه‌های دارویی، فلزی و فرآورده‌های نفتی قرار داشتند. بیشترین ورود نقدینگی حقیقی نیز به ترتیب مربوط به گروه‌های بانکی، خودرویی، فلزی، فرآورده‌های نفتی، چندرشته‌ای صنعتی، شیمیایی و معدنی بود.

شاخص کل بورس تهران در نخستین روز هفته با رشد ۱۰۳ هزار و ۱۷۶ واحدی، معادل ۲۰.۳ درصد، به ۴ میلیون و ۶۹۶ هزار واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۲۰.۵ درصدی (۳۱ هزار واحد) به یک میلیون و ۲۶۶ هزار و ۱۹۰ واحد رسید. شاخص فرابورس ایران نیز با رشد ۸۶۲ واحدی (۲۰.۵ درصد) به عدد ۳۵ هزار و ۹۲۲ واحد رسید. ارزش کل معاملات خرد سهام، صندوق‌های سهامی و پایانی (TAL) به ۱۱ هزار و ۶۸۲ میلیارد تومان رسید که معادل نصف معاملات روز چهارشنبه هفته گذشته است. مجموع ارزش معاملات بازارهای بورس و فرابورس به محدوده ۱۹۹ هزار میلیارد تومان رسید و ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، بازار پایه و فرابورس، نیز در محدوده ۱۶ هزار و ۳۱۰ همت قرار گرفت. معاملات صندوق‌های طلا با ۱ تا ۴ درصد منفی آغاز شد و در پایان به ۵ تا ۶ درصد صندوق‌های نقره نیز در محدوده ۴ تا ۶ درصد منفی نوسان داشتند.

کابوس تورمی برای فدرال رزرو؛

چگونه تنگه هر مز اقتصاد آمریکا را لرزاند؟

جنگ ۴۰ روزه آمریکا و اسرائیل تنها یک تقابلی نظامی در خلیج فارس نبود؛ این بحران به سرعت به اقتصاد داخلی ایالات متحده سرایت کرد و مهم ترین دستاورد سال های اخیر فدرال رزرو در مهار تورم را با تهدیدی

جدی روبه رو ساخت. اختلال در تنگه هرمز و جهش قیمت انرژی، هزینه سوخت و حمل و نقل را در آمریکا افزایش داد و بار دیگر سایه بازگشت تورم بالا را بر اقتصاد این کشور و سیاست پولی واشنگتن انداخت.



مسیح محبوب

پژوهشگر اقتصادی

وقایع اسفند ماه ۱۴۰۴ و فروردین سال ۱۴۰۵ نقطه عطفی تاریخی در معادلات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جهان رقم زد. جنگی ۴۰ روزه که از ۹ اسفند سال ۱۴۰۴ با تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران آغاز شد، در نهایت با میانجی گری پاکستان در اواسط فروردین ۱۴۰۵ به آتش بس رسید و اکنون در میانه خرداد در مرحله جدیدی از تنش ها قرار گرفته است. با این حال، پیامد اصلی این منازعه فراتر از میدان نظامی بود. اقدام ایران در انسداده کارکردی تنگه هرمز و تأسیس سامانه بومی «مرجع تنگه خلیج فارس»، دکتین ۴۶ ساله کارتر مصوب ۱۹۸۰ مینی بر تضمین امنیت انرژی توسط آمریکا را به طور کامل فروپاشاند. این تحول نشان داد که هژمونی دریایی آمریکا در خلیج فارس جای خود را به نوعی حاکمیت درون زا و بومی داده است. اما چگونه ایران با تلفیق جغرافیا و ابزارهای نوین اقتصاد سیاسی، دستاوردهای پولی فدرال رزرو (بانک مرکزی آمریکا) را نابود کرد و از بحران تورمی درون آمریکا به عنوان اهرم فشاری برای اخراج قوای بیگانه از منطقه بهره جست؟

برای درک عمیق این بحران، باید به راهروهای سیاست گذاری پولی در واشنگتن نگریم. جروم پاول، رئیس فدرال رزرو، نزدیک به سه سال تمام تلاش های بی وقفه و طاقت فرسایی را برای مهار آژدهای تورم هدایت کرد تا بتواند نرخ تورم سرفصل آمریکا را از مرزهای بحرانی بالای ۴ درصد به سطوح مطلوب و پایدار کاهش دهد. سیاست انقباضی شدید و حفظ نرخ بهره در سطوح بالا، هزینه های سنگینی بر بازارهای مالی و معیشت شهروندان آمریکایی تحمیل کرده بود، اما جنگ ۴۰ روزه با ایران تمام این یافته ها را در هم تنید. با انسدادهای عملی تنگه هرمز و توقف ترانزیت روزانه ۲۰ میلیون بشکه نفت خام و ۲۰ درصد گاز مایع جهان، بهای نفت برنت به سرعت مزر ۱۰۰ دلار را در نورید. قیمت بنزین در پمپ بنزین های آمریکا با جهشی ناگهانی به محدوده ۴.۵ دلار در هر گالن رسید؛ رقمی که هزینه های بالغ بر ۷۵۰ دلار در سال به هر خانواده متوسط آمریکایی تحمیل می کرد. بر اساس صورت جلسات فدرال رزرو، بسته ماندن این ابراه حیاتی می تواند تا ۱.۴۷ واحد درصد به تورم سرفصل آمریکا اضافه کند؛ امری که تورم این کشور را مجدداً به نرخ بحرانی ۴.۲ درصد سوق داد

وزحمت چند ساله پاول را در کمتر از دو ماه خاکستر کرد. در بستری که دهی ملی آمریکا به رقم سرسام آور ۳۸.۸۶ تریلیون دلار رسیده و سهم دلار از ذخایر ارزی جهان به پایین ترین حد خود در دود دهه اخیر، یعنی ۴۰ درصد، تنزل یافته است، این شوک تورمی آمریکا را در معرض یک رکود تورمی ویرانگر قرار داد. این بحران اقتصادی دقیقاً همان اهرم فشار بی بدیلی بود که تهران برای تغییر قواعد بازی به کار بست. ایران به وضوح نشان داد که هزینه اصرار بر حفظ پایگاه های نظامی آمریکا در حاشیه خلیج فارس، فروپاشی اقتصادی در واشنگتن خواهد بود. پیام تهران ساده اما کوبنده بود.

نوآوری استراتژیک ایران در جریان این نبرد، انتقال از فاز تخریب نظامی به فاز حکمرانی هوشمند آبراهه بود. تأسیس «سازمان مدیریت تنگه هرمز»، با همان سامانه مرجع PGSA، عملاً حق کشتیرانی آزاد غربی را منسوخ کرد. طبق گزارش ها، ایران اعلام کرد که تمامی کشتی های تجاری ملزم به ثبت اطلاعات و هماهنگی با این سامانه هستند و نفتکش های مجاز باید عوارض ترانزیتی تا سقف ۲ میلیون دلار به ازای هر بار عبور پرداخت کنند. در دوران آتش بس، ایران با عبور روزانه ۲۰ فروند کشتی که فاقد هرگونه ارتباط با جبهه متخاصم بودند، نبض انرژی جهان را به صورت قطره چکانی هدایت کرد. نکته کلیدی در این حکمرانی جدید، ضربه کاری به بنیان پترودلار (که از سال ۱۳۵۳ ستون فقرات هژمونی مالی آمریکا بود) محسوب می شود. فعال شدن بستر پولی بلاک چین مشترک چین و کشورهای عربی، مانند پروژه «مابریج» (mBridge)، به کشورهای منطقه اجازه داد بدون نیاز به سیستم سوئیفت یا نهاد های واسطه آمریکایی، مبادلات خود را تصفیه کنند. تلاش های انفعالی آمریکا نظیر برقراری محاصره دریایی متقابل، رهگیری ۹۴ فروند کشتی تجاری و توقیف تانکر بدون پرچم «ام تی داونینا» نه تنها مشکل را حل نکرد، بلکه ریسک بیمه جنگی لویدز لندن را به اوج رساند و پوشش های حمایتی ابرنهاد توسعه مالی آمریکا را به دلیل فقدان زیرساخت های تجاری تخصصی با شکست کامل مواجه کرد. جنگ ۴۰ روزه نشان داد که فرمول سنتی آمریکا، یعنی «اعزام ناوهای جنگی ۲ میلیارد دلاری به عنوان ضامن امنیت»، کارایی خود را در برابر دکتین «اخلال دقیق» ایران از دست داده است.

این شکست آشکار نظامی و مالی ترجمان عینی زوال دکتین کارتر بود. از منظر تحلیل

اندیشه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، ریشه اصلی ناامنی و تنش در خلیج فارس حضور نیروهای شرارت آفرین بیگانه است که فرسنگ ها دورتر از خانه خود، منافع منطقه را گروگان گرفته اند. راهکار حقیقی، تکیه بر دکتین «هم سرنوشتی ملل منطقه» و شکر عملی نعمت اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز برای تأمین رفاه و امنیت بومی بدون حضور آمریکا است. کشورهای منطقه نظیر عربستان و امارات با درک این واقعیت جدید، به جای گره زدن سرنوشت خود به ناوهای فرسوده واشنگتن، به سمت تنش زدایی و پذیرش نظم جدیدی حرکت کردند که در آن حاکمیت درون زای ایران بر آبراهه، واقعیت غیر قابل انکار ژئوپلیتیک است.

سناریوی جنگ ۴۰ روزه اسفند ۱۴۰۴ ثابت کرد که جغرافیای سیاسی خلیج فارس و اقتصاد کلان بین المللی دو روی یک سکه اند. آمریکا دیگر نمی تواند هم زمان هزینه های سنگین نظامی در خاورمیانه را بپردازد و ثبات پولی داخلی خود را حفظ کند. پاشنه آشیل واشنگتن در این نبرد، تورم افسار گسیخته ای بود که تلاش های چند ساله فدرال رزرو را بر باد داد و دولت ترامپ را ناگزیر به پذیرش واقعیت تلخ افول هژمونی خود ساخت.

وزارت کار آمریکا اعلام کرده است تورم در پی جنگ آمریکا با ایران افزایش یافته و قیمت بنزین نسبت به ماه مشابه سال گذشته ۲۰.۵ درصد جهش کرده است. در نتیجه درگیری در خاورمیانه که باعث افزایش شدید قیمت نفت و گاز شده، رانندگان با قبض های سوخت بالاتری مواجه شده اند. تنها بین آوریل و مه، قیمت بنزین ۷ درصد افزایش یافته است. در نشانه ای دیگر از فشار بر خانوارها، قیمت گوشت گاو در ماه گذشته به رکورد جدیدی رسید. مصرف کنندگان آمریکایی در ماه مه به طور متوسط ۷۰.۶ دلار هر پوند گوشت خر خر کرده پرداخت کردند که ۱۳ درصد بیش تر از سال قبل است. گله های گاو در آمریکا به کوچک ترین اندازه خود در ۷۵ سال گذشته رسیده اند. در آستانه نشست فدرال رزرو، اکنون این پرسش مطرح است که آیا می تواند بدون عقب ماندن از منحنی، نرخ ها را ثابت نگه دارد یا نه. اقتصاد دانان هشدار می دهند که ادامه تنش های ژئوپلیتیکی، اختلال در زنجیره های تأمین جهانی و افزایش هزینه های انرژی می تواند روند مهار تورم را با چالش های جدی مواجه کرده و دوره طولانی تری از نرخ های بهره بالا را به اقتصاد جهانی تحمیل کند.

گزارش کوتاه

گزارشی از خطای محاسباتی دولت در تدبیر اقتصادی

نیمه دی ماه سال ۱۴۰۴ بود که دولت، در ادامه سیاست هایش، تصمیم ارزی خود را با هدف حذف رانت اجرا کرد. پیش از تصمیم دولت، کالاهای اساسی ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی دریافت می کردند و ارز گروه های دیگر (مشمول ارز تالار اول) با نرخ حدود ۸۰ هزار تومان تأمین می شد. پس از اجرای جراحی ارزی در دی ماه، تأمین ارز کلیه کالاهای به تالار دوم منتقل شد و نرخ ارز اقلام اساسی ابتدا تا ۱۱۲ هزار تومان محاسبه شد. با اجرای این تصمیم، افزایش قیمت کالاهای متأثر از ارز ترجیحی محرز بود و دولت، برای پوشش افزایش هزینه های خانوارها، کالابری را در نظر گرفت که به هریارانی ماهانه یک میلیون تومان اختصاص پیدا کرد. دولت پیش از این بارها تأکید کرده بود که در صورت افزایش قیمت ارز و کالاهای اساسی، مبلغ کالابری نیز متناسب با آن افزایش خواهد یافت. اکنون اجرای طرح کالابری وارد ششمین ماه خود شده است، اما هنوز خبری از افزایش مبلغ اعتبار آن نیست.

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، ۱۷ دی سال ۱۴۰۴ گفته بود: «برخی ادعا می کنند اجرای این سیاست ها موجب افزایش تورم خواهد شد، در حالی که محاسبات دقیق نشان می دهد یارانه ای که به ازای هر فرد، معادل یک میلیون تومان، به حساب مردم واریزی شود، نه تنها حذف نخواهد شد، بلکه در صورت افزایش نرخ ارز نیز متناسب با آن افزایش می یابد و به طور کامل حفظ می شود». پزشکیان ۱۷ خرداد امسال هم در نشست شورای هماهنگی اقتصادی دولت دستور افزایش اعتبار کالابری را داد و افزود: «اگرچه در مسیر تحقق آن، به دلیل شرایط پیش آمده، با محدودیت ها و برخی مشکلات اجرایی مواجهه است، اما همه دستگاه ها باید حداکثر تلاش خود را برای عملیاتی شدن این وعده به کار گیرند. حداقل شش دهک پایین درآمدی باید از افزایش اعتبار کالابری بهره مند شوند». فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، دو روز بعد از دستور رئیس جمهور اعلام کرد: «دستور رئیس جمهور، پیدا کردن منبع پایدار برای افزایش مبلغ کالابری است. تا زمانی که برای اجرای یک طرح، منبع پایدار تعریف نشود، اجرای آن متزلزل خواهد بود.»

احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی روز گذشته اعلام کرد که «همه دستگاه ها با افزایش اعتبار کالابری الکترونیکی موافق اند، اما به دلیل محدودیت های درآمدی و تبعات جنگ، هنوز منبع مالی مشخصی برای آن تعیین نشده و بررسی ها در دولت ادامه دارد. پس از دستور رئیس جمهور، روز جمعه گذشته جلسه ای با حضور بانک مرکزی برگزار شد، اما هنوز درباره تأمین منابع مالی مورد نیاز برای افزایش اعتبار کالابری جمع بندی نهایی حاصل نشده است. البته مسئله اصلی، تأمین منابع مالی آن است و تصمیم نهایی پس از تعیین منبع مالی مناسب اتخاذ خواهد شد.»

اگرچه ماده ۶۷ قانون بودجه ۱۴۰۵ مسیر مشخصی برای تأمین منابع کالابری از محل مازاد درآمد ناشی از فروش مازاد ارز به واردکنندگان کالاهای اساسی تعیین کرده، اما دولت به دنبال منبع تأمین افزایش مبلغ کالابری است. نرخ تأمین ارز کالاهای اساسی اکنون به ۱۴۸ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده که افزایش ۳۶ هزار و ۵۰۰ تومانی نسبت به آغاز طرح کالابری را نشان می دهد و این انتظار وجود دارد که حداقل رقم یک میلیون تومانی کالابری نیز به میزان افزایش نرخ ارز تغییر کند. اکنون وزارت کار و وزارت اقتصاد افزایش رقم کالابری را دنبال می کنند، اما بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه معتقدند دولت منابع کافی برای افزایش کالابری در اختیار ندارد. با این حال، آیا افزایش نرخ ارز از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان تا ۱۴۸ هزار و ۵۰۰ تومان برای افزایش مبلغ کالابری کافی نیست؟ به نظر می رسد دولت در منابع تأمین اعتبار کالابری دچار اشتباه محاسباتی شده و اکنون هزینه اشتباهاتش را از جیب مردم فاکتور می کند.

بازگشت فشارهای تورمی در اقتصادهای بزرگ

تازه ترین آمارهای تورمی کشورهای جهان نشان می دهد روند نزولی تورم که طی ماه های گذشته در بسیاری از اقتصادهای بزرگ مشاهده می شد، پس از آغاز جنگ رمضان، با نشانه هایی از بازگشت فشارهای قیمتی مواجه شده و بانک های مرکزی را بار دیگر در برابر تصمیم دشوار افزایش نرخ بهره قرار داده است.

نرخ تورم سالانه آمریکا به ۴.۲ درصد رسیده که نسبت به دوره قبل افزایش یافته است. در همین حال، تورم منطقه یورو نیز در سطح ۳.۲ درصد قرار دارد و روند آن صعودی گزارش شده است. انگلیس با تورم ۲.۸ درصدی، کانادا با ۲.۸ درصد و هند با ۳.۵ درصد نیز از جمله کشورهایی هستند که افزایش فشارهای تورمی را تجربه می کنند. کشورهایی نظیر برزیل، آفریقای جنوبی، فنلاند، تایوان و کره جنوبی نیز با رشد نرخ تورم نسبت به گزارش قبلی مواجه شده اند.

برخی اقتصادها از جمله آلمان، فرانسه، ژاپن، استرالیا و عربستان سعودی کاهش نسبی تورم را ثبت کرده اند.

بین الملل

مخالفت جنبش امل با طرح آمریکایی «مناطق آزمایشی» در لبنان

«مصطفی الفوعانی» رئیس هیأت اجرایی جنبش امل بر پایبندی این جنبش به صلح داخلی و وحدت ملی به عنوان راهکار اصلی حمایت از لبنان در مقابله با چالش‌های داخلی و خارجی تأکید کرد و گفت که گفت‌وگو بین لبنانی‌ها بهترین راه حل اختلافات و تحکیم ثبات ملی است. الفوعانی همچنین تصریح کرد که سلاح مقاومت همواره پایه اصلی مقابله با اشغالگری و تجاوزات اسرائیل بوده و در حمایت از لبنان و جلوگیری از خطراتی که حاکمیت و امنیت آن را تهدید می‌کند، سهیم بوده است و لذا هر گونه رویکردی درباره این پرونده در درجه اول باید با تأمین مبانی حمایت ملی و تدوین یک راهبرد دفاعی جامع مورد اجماع مردم لبنان مرتبط باشد. وی افزود: آنچه در خصوص «مناطق آزمایشی» نیز گفته می‌شود از نظر جنبش‌های امل و حزب‌الله مردود است. این مسئول جنبش امل تأکید کرد که مسیر واقعی هر گونه ثبات دائمی، با آتش‌بس کامل و ملزم کردن اسرائیل به اجرای تعهدات بین‌المللی و عقب‌نشینی از اراضی اشغالی لبنان، آغاز می‌شود. در همین ارتباط یک منبع رسمی لبنانی گفت که دور پنجم مذاکرات با نمایندگان اسرائیل از ۲۲ ژوئن (اول تیر) در واشنگتن برگزار خواهد شد. این منبع لبنانی اظهار داشت که مناطق آزمایشی، مناطقی هستند که ارتش رژیم اسرائیل همزمان با استقرار ارتش لبنان و اجرای طرح «کنترل سلاح» توسط آن، به تدریج (از این مناطق) عقب‌نشینی می‌کند.



فایننشال تایمز از مبهوت شدن آمریکا در برابر شهرهای موشکی ایران گزارش داد

کابوس زیرزمینی آمریکا و اسرائیل

بمب‌های سنگرشکن آمریکا و حملات پی‌درپی اسرائیل قرار بود قلب قدرت موشکی ایران را خاموش کند اما گزارش تازه فایننشال تایمز از واقعیتی متفاوت پرده برمی‌دارد. شهرهای موشکی پنهان در دل کوه‌های ایران، با وجود هفته‌ها بمباران، همچنان فعال ماندند و نشان دادند شبکه موشکی تهران برخلاف ادعاهای غرب، نه نابودشدنی بلکه برای بقا در سخت‌ترین شرایط طراحی شده است.

نقل از تحلیلگران نظامی تأکید می‌کند که مراکز نزدیک به مرزهای غربی ایران آسیب پذیرترند، اما تأسیسات عمیق‌تر در مرکز کشور، هدف بسیار سخت‌تری برای عملیات مداوم آمریکا و اسرائیل محسوب می‌شوند. مسئله اصلی برای واشنگتن و تل‌آویو این است که برای از کار انداختن چنین شبکه‌ای، فقط یک موج حمله کافی نیست؛ بلکه نیاز به عملیات دائمی، اطلاعات دقیق و حضور مستمر دارد. حتی در شدیدترین روزهای جنگ، هرچند حجم شلیک‌های ایران کاهش یافت، اما توان پاسخ‌دهی حفظ شد. تحلیلگران می‌گویند تهران نشان داد که می‌تواند پس از حملات سنگین، دوباره به سرعت وارد عمل شود. برخی کارشناسان این موضوع را «راهبرد بقا» می‌دانند؛ یعنی حفظ توان ضربه دوم برای زمانی که دشمن تصور می‌کند توان موشکی نابود شده است.

یکی از نکات مهم گزارش، نقش سپاه پاسداران در این ساختار است. برنامه موشکی ایران طری سال‌های گذشته به صورت غیرمتمرکز توسعه یافته تا در برابر حملات گسترده مقاوم‌تر باشد. نتیجه این سیاست، شبکه‌ای از پایگاه‌ها، تونل‌ها و مراکز پراکنده است که نابودی آن را بسیار پیچیده می‌کند. یک فرد نزدیک به ساختار سیاسی ایران به فایننشال تایمز گفته است: «امروز سپاه نسبت به قبل از جنگ قدرتمندتر است، چون تحت فشار فوق‌العاده جنگید و تا آخرین لحظه موشک شلیک کرد.» این گزارش غری، ناخواسته یک پیام روشن دارد که جنگ هوایی علیه ایران با تصور «ضربه نهایی» طراحی شد، اما با واقعیتی به نام قدرت زیرزمینی ایران مواجه شد. شهرهای موشکی پنهان در دل کوه‌ها، نشان دادند که قدرت بازدارندگی فقط در تعداد هواپیما و پایگاه خلاصه نمی‌شود. گاهی چند ده متر سنگ و هزاران متر تونل، معادلات بزرگ‌ترین ارتش‌های جهان را تغییر می‌دهد.

می‌کردند، اما ایران تا آخرین لحظات پیش از آتش‌بس موشک پرتاب می‌کرد. این جمله، خلاصه یک واقعیت نظامی است. حمله هوایی می‌تواند خسارت ایجاد کند، اما نابودی کامل شبکه موشکی زیرزمینی ایران بسیار دشوارتر از محاسبات اولیه غرب بوده است.

به گزارش فایننشال تایمز، دونالد ترامپ در آغاز جنگ اعلام کرده بود که هدف، «نابودی کامل موشک‌ها و صنعت موشکی ایران» است. اسرائیل نیز مدعی شد بخش بزرگی از پرتابگرهای ایران از کار افتاده‌اند. اما ارزیابی‌های اطلاعاتی منتشر شده در رسانه‌های آمریکایی تصویر متفاوتی ارائه دادند؛ براساس این ارزیابی‌ها، ایران همچنان حدود ۷۰ درصد از پرتابگرهای متحرک و بخش بزرگی از ذخایر موشکی پیش از جنگ را حفظ کرده است. یک دیپلمات غربی در تهران نیز در گفت‌وگو با فایننشال تایمز اذعان کرده که بخش مهمی از توان موشکی ایران باقی‌مانده است: «ما معتقدیم آنها بخش قابل توجهی از زرادخانه و توانمندی خود را حفظ کرده‌اند. ورودی برخی تونل‌ها بمباران شد، اما آنها توانستند مسیرها را دوباره باز کنند.»

در ادامه نیز آمده است، قدرت اصلی این شبکه، فقط تعداد موشک‌ها نیست؛ بلکه معماری دفاعی آن است. ایران طی دهه‌ها تجربه ساخت تونل‌های بزرگ، متروها و سازه‌های زیرزمینی را به حوزه نظامی منتقل کرده است. برخی از این مراکز در عمق ده‌ها متری زمین قرار دارند؛ جایی که حتی بمب‌های سنگرشکن نیز برای ایجاد اثر قطعی با محدودیت روبه‌رو هستند. گزارش فایننشال تایمز به



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

گزارش تازه روزنامه «فایننشال تایمز» تصویری را ترسیم می‌کند که برای طراحان جنگ در واشنگتن و تل‌آویو خوشایند نیست. تصویری از قدرتی پنهان در دل کوهستان‌های ایران که زیربمباران گسترده هم خاموش نشد. آمریکا و اسرائیل هفته‌ها آسمان ایران را با جنگنده‌ها و بمب‌های سنگرشکن هدف گرفتند تا یکی از مهم‌ترین مراکز موشکی ایران در نزدیکی یزد را از کار ببندازند، اما نتیجه چیزی نبود که وعده داده شده بود و موشک‌ها همچنان شلیک می‌شدند. طبق گزارش فایننشال تایمز، منطقه کوهستانی اطراف یزد، میزبان یکی از پیچیده‌ترین پروژه‌های موشکی ایران است؛ شهری زیرزمینی که در دل گرانتیت کوه ساخته شده و گفته می‌شود صدها متر در عمق زمین امتداد دارد. یک شهروند یزدی به این روزنامه گفته است: «نیروهای آمریکا و اسرائیل مدام آن کوه‌ها را بمباران

راز قدرت شهرهای موشک‌های ایران

قدرت اصلی این شبکه، فقط تعداد موشک‌ها نیست بلکه معماری دفاعی آن است. ایران طی دهه‌ها تجربه ساخت تونل‌های بزرگ، متروها و سازه‌های زیرزمینی را به حوزه نظامی منتقل کرده است. برخی از این مراکز در عمق ده‌ها متری زمین قرار دارند. جایی که حتی بمب‌های سنگرشکن نیز برای ایجاد اثر قطعی با محدودیت روبه‌رو هستند.

یادداشت

بازی قدیمی و

سناریوی جدید واشنگتن

علیرضا خوش‌نویس
روزنامه‌نگار

در سیاست خارجی آمریکا یک قاعده نانوشته وجود دارد که ملت ایران بارها هزینه متوجه نشدن برخی از خوشبینان به آمریکا را پرداخته است. هر زمان واشنگتن از «تفاهم»، «کاهش تنش» و «پنجره دیپلماسی» سخن گفته، باید با دقت بیشتری به پشت صحنه نگاه کرد. تجربه نشان می‌دهد آمریکا بارها از فضای مذاکره و امید به توافق به عنوان ابزاری برای مدیریت شرایط خود و افزایش قدرت مانور استفاده کرده است، نه لزوماً برای حل اختلافات. حتی زمان‌هایی که مذاکرات به اوج خوشبینی و تفاهم نزدیک شده است زیر میز زده و هیچ پایبندی از خود نشان نداده است.

امروز نیز پس از جنگ ۴۰ روزه و تحولات گسترده منطقه، برخی نشانه‌ها از شتاب واشنگتن برای بازگشت آرامش به مسیرهای انرژی حکایت دارد. تنگه هرمز همچنان فشار خود را حفظ کرده است و هرگونه اختلال و انسداد مجدد در آن می‌تواند بازارهای جهانی را با شوک مواجه کند. از همین رو، طبیعی است که آمریکا بیش از هر زمان دیگری به دنبال بازگشت کامل جریان انرژی و کاهش فشارهای ناشی از بحران اخیر باشد.

اما سؤال اصلی اینجاست: آیا عجله آمریکا برای رسیدن به یک تفاهم اولیه صرفاً از سر حسن نیت است؟ یا آنکه واشنگتن در پی خریدن زمان است؟

یکی از سناریوهای محتمل این است که آمریکا پس از دستیابی به یک توافق اولیه و باز شدن کامل تنگه هرمز، بخش مهمی از فشار اقتصادی و انرژی را از روی دوش خود بردارد و سپس از یک دوره زمانی چند ده روزه برای بازسازی توان، ترمیم ذخایر و ساماندهی مجدد آرایش منطقه‌ای خود بهره‌برد. در چنین شرایطی، اگر ایران همه برگ‌های برنده خود را زودتر از موعد خرج کرده باشد، ممکن است در مرحله بعدی با طرفی مواجه شود که فشارهایش را کاهش داده اما تعهداتش را به تعویق انداخته است.

تجربه برجام هنوز از حافظه ملت ایران پاک نشده است. وعده‌های فراوان داده شد اما در عمل، بخش مهمی از تعهدات اقتصادی یا محقق نشد یا با تأخیر و مانع‌تراشی همراه بود. نتیجه آن شد که ایران بخش مهمی از تعهدات خود را انجام داد اما در حوزه منافع اقتصادی، آنچه انتظار می‌رفت حاصل نشد.

به همین دلیل، هرگونه توافق احتمالی باید بر پایه تضمین‌های عینی و قابل راستی‌آزمایی استوار باشد. اگر قرار است ایران امتیازی بدهد، باید امتیاز متناظر را نیز به صورت ملموس دریافت کند. تجربه نشان داده است که لبخندهای واشنگتن گاهی مقدمه فشار و جنگ‌های بعدی بوده است، نه پایان آنها.

یادداشت

پشت پرده اصرار بر رقیق سازی

امیرشهرشاهی
روزنامه نگار

یوآو گالانت، وزیر جنگ سابق رژیم اسرائیل، در یادداشتی مفصل که در وبسایت شخصی خود منتشر کرده، ناخواسته یکی از مهم ترین اعترافات راهبردی سال های اخیر را بر زبان آورده است. وزیر جنگ سابق اسرائیل در بخشی از یادداشت خود تصریح می کند: «برآورد می شد که ذخیره اورانیوم ایران با غنای تا ۶۰ درصد، پیش از حملات، حدود ۴۴۰ کیلوگرم باشد.» گالانت این ذخیره را «متمرکزترین و از نظر راهبردی مهم ترین دارایی برنامه هسته ای» ایران می خواند؛ دارایی ای که به گفته او «به اندازه ای کوچک است که بتوان آن را جابه جا کرد، به اندازه ای ارزشمند است که بتوان آن را پنهان کرد و به اندازه ای خطرناک است که تعیین کند آیا این کارزار با موفقیت راهبردی پایان می یابد یا صرفاً به یک تأخیر راهبردی منجر می شود.»

گالانت در این زمینه می نویسد: «ساختمان ها را می توان بازسازی کرد، سانتریفیوژها را می توان جایگزین کرد، دانشمندان دانش خود را حفظ می کنند و زنجیره های تأمین نیز با گذشت زمان دوباره بازسازی می شوند.» اما آنچه تعیین کننده است، مواد غنی شده ای است که طی ده ها تلاش و سرمایه گذاری ملی به دست آمده اند. نکته قابل توجه دیگر، اعتراف گالانت درباره اهمیت سطح غنی سازی ۶۰ درصدی است. او می نویسد: «تقریباً ۹۹ درصد از کار غنی سازی مورد نیاز برای رسیدن به سطح تسلیحاتی، تا زمانی که اورانیوم به غنای ۶۰ درصد برسد، انجام شده است.» گالانت در ادامه یادداشت خود با صراحتی کم سابقه هشدار می دهد که اگر این مواد همچنان در اختیار ایران باقی بمانند، «مسیر ایران به سوی سلاح هسته ای به طور ساختاری از میان نرفته است، بلکه صرفاً متوقف شده است.» او حتی اعتراف می کند که در چنین شرایطی ایران همچنان «سوخت اصلی لازم برای بازسازی» را در اختیار خواهد داشت و نسخه بعدی برنامه هسته ای می تواند «عمیق تر، پراکنده تر، پنهان تر و نظارت بر آن دشوارتر» باشد. گالانت اعتراف می کند که اسرائیل و آمریکا این فرصت را یک «پنجره راهبردی و محدود» می دانند؛ فرصتی که به باور او به دلیل هزینه های سنگین سیاسی، نظامی و بین المللی به راحتی قابل تکرار نیست. این صحبت ها نشان می دهد امروز بیش از هر زمان دیگری لازم است نگاه راهبردی بر تصمیمات حاکم باشد. اگر دشمن مهم ترین دستاورد مطلوب خود را محروم کردن ایران از این دارایی می داند، طبیعی است که حفظ، صیانت و حراست از آن نیز باید در صدر اولویت های ملی قرار گیرد. گالانت در پایان یادداشت خود جمله ای می نویسد که شاید بهترین شاهد برای این مدعا باشد: «این کارزار براساس میزان آنچه ایران از دست داده است قضاوت نخواهد شد؛ بلکه براساس آنچه ایران همچنان در اختیار دارد قضاوت خواهد شد.»

و ظاهراً از نگاه تل آویوو واشنگتن، مهم ترین چیزی که ایران همچنان در اختیار دارد، همان ۴۴۰ کیلوگرم است؛ اعتراضی که وزن سیاسی و راهبردی آن به مراتب بیش از عددی است که در ظاهر به نظر می رسد.

آیا تاریخ در حال تکرار است؟

اظهارات سیدعباس عراقچی درباره تفاهم احتمالی با آمریکا نه تنها نتوانست نگرانی های موجود را برطرف کند، بلکه پرسش های تازه ای را نیز پیش روی افکار عمومی قرار داد؛ از تکرار الگوی محرماتنگی دوران برجام و موکول کردن مسائل اصلی به آینده گرفته تا بحث رقیق سازی ذخایر ۶۰ درصدی، طرح وعده بازسازی اقتصادی، بازگشایی سخاوتمندانه تنگه هرمز و تکرار ادبیات «برد. برد» پس از جنگ. مجموعه این مواضع نشان می دهد که خطر تکرار برخی خطاهای راهبردی گذشته همچنان وجود دارد و افکار عمومی حق دارد نسبت به جزئیات توافقی که سرنوشت کشور را تحت تأثیر قرار می دهد، مطالبه شفافیت داشته باشد.

گسترده ای روبه رو بود. با این حال، اظهارات وزیر امور خارجه نه تنها نگرانی ها را کاهش نداد، بلکه پرسش های تازه ای را درباره ماهیت و پیامدهای این تفاهم برانگیخت.



محسن فرهمند

روزنامه نگار

وضعیت شکننده و به شدت بحرانی بازار نفت در ماه های آینده هشدار داده اند، بازگشایی کامل تنگه هرمز عملاً مهم ترین نگرانی راهبردی واشنگتن را برطرف می کند. در چنین شرایطی، آمریکا و غرب فرصت می یابد ذخایر نفتی خود را ترمیم کند، فشار ترمیمی ناشی از افزایش قیمت انرژی را کاهش دهد و همزمان فرصت لازم برای بازسازی سامانه های نظامی خود و رژیم صهیونیستی را به دست آورد. به بیان دیگر، هرچند عراقچی از «توافق گام به گام» سخن می گوید، اما منتقدان معتقدند در عمل مهم ترین اهرم فشار ایران در همان گام نخست تا حد زیادی خنثی می شود، در حالی که امتیازات مورد نیاز ایران مانند غرامت، پول های بلوکه شده، رفع تحریم ها، خروج آمریکا از منطقه و... به آینده ای نامعلوم و توافقی دیگر موکول خواهد شد.

باز هم ادبیات مذاکره برد برد

وزیر امور خارجه همچنین تأکید کرد بهترین توافق، توافقی است که هر دو طرف از آن رضایت نسبی داشته باشند و هیچ توافقی وجود ندارد که یک طرف صد درصد برنده و طرف دیگر کاملاً بازنده باشد. این اظهارات در حالی است که ادبیات روابط بین الملل، به ویژه در مذاکرات پس از جنگ، منطق «برد. برد» به شکلی که در دستگاه دیپلماسی ایران تکرار می شود، مبنای محکمی ندارد. آنان استدلال می کنند وقتی طرفی با پذیرش ریسک جنگ وارد میدان شده و در تحقق اهداف خود ناکام مانده است، باید هزینه این ناکامی را نیز می پردازد. از این منظر، تکرار کلیدواژه «برد. برد» بیش از آنکه محصول واقعیت های صحنه بین المللی باشد، بازتاب نوعی نگاه خوش بینانه به رفتار آمریکا است. نگاه خوش بینانه که با تاسف ترور مرجع عالیقدر شیعیان جهان و رهبر انقلاب، شهید آیت الله العظمی خاتمی ای را در کمتر از ۴ ماه فراموش کرده است.

عراقچی از وجود «وعده طرح بازسازی» برای جبران خسارات و تزیین منابع مالی به اقتصاد ایران نیز سخن گفت. با این حال، تجربه طرح های مشابه آمریکا در عراق و افغانستان باعث شده بسیاری از کارشناسان با دیده تردید به چنین وعده هایی بنگرند. از همین رو، منتقدان معتقدند حتی اگر چنین صندوقی تشکیل شود، تضمینی برای اجرای واقعی تعهدات آن وجود ندارد؛ به ویژه آنکه دولت ترامپ سابقه ای طولانی در خروج از توافقات و بی اعتنایی به تعهدات بین المللی دارد.

بازگشت به فرمول شکست خورده

بخش دیگری از سخنان عراقچی به موضوع

سیدعباس عراقچی جمعه در شرایطی در گفت و گوی ویژه صد اوسیمیا حاضر شد که طی هفته های اخیر، به طور معمول روایت نخست از روند مذاکرات و تفاهات میان ایران و آمریکا نه از سوی تهران، بلکه از جانب مقامات آمریکایی و به ویژه دونالد ترامپ منتشر شده بود. عراقچی در این گفت و گو کوشید به بخشی از پرسش ها و نگرانی های موجود پاسخ دهد، اما آنچه از سخنان وی آشکار شد، نه تنها نتوانست ابهامات موجود را برطرف کند، بلکه در عمل بردامنه نگرانی ها افزود. اهمیت این گفت و گو از آن جهت بود که عملکرد سیدعباس عراقچی و دیگر اعضای تیم مذاکره کننده طی ماه های گذشته بارها مورد نقد کارشناسان و افکار عمومی قرار گرفته بود و انتظار می رفت وزیر امور خارجه در نخستین توضیح تفصیلی خود، نگرانی ها درباره مسیر مذاکرات و ماهیت تفاهم در دست تدوین را کاهش دهد. از همین رو، آنچه قرار بود به عنوان تبیین دستاوردهای مذاکرات و پاسخ به نگرانی های موجود مطرح شود، برای بخش قابل توجهی از منتقدان به نشانه ای از تداوم همان رویکردی تبدیل شد که پیش تر در تجربه برجام نیز مورد انتقاد قرار داشت؛ رویکردی که به اعتقاد آنان، بیش از آنکه بر بهره گیری از دستاوردهای میدانی و افزایش هزینه های طرف مقابل استوار باشد، بر خوش بینی به وعده های آمریکا و واگذاری تدریجی دستاوردهای کشور و اهرم های فشار ایران در ازای تعهداتی متکی است که تضمینی برای اجرای آن ها وجود ندارد.

نخستین نکته قابل توجه در سخنان عراقچی، تأیید عملی اصل وجود «یادداشت تفاهم ۱۴ ماده ای» بود؛ موضوعی که پیش تر دونالد ترامپ و برخی منابع آمریکایی درباره آن سخن گفته بودند. وزیر امور خارجه در آغاز گفت و گو اعلام کرد مذاکرات به مراحل پایانی نزدیک شده و نتیجه آن یادداشت تفاهمی است که جزئیاتش تا زمان نهایی شدن منتشر نخواهد شد.

تام اول برای چه کسی؟

یکی از مهم ترین بخش های سخنان عراقچی مربوط به ساختار دو مرحله ای توافق بود. به گفته وی، ابتدا یادداشت تفاهم امضا می شود و سپس مذاکراتی ۶۰ روزه برای دستیابی به توافق نهایی آغاز خواهد شد. در این مرحله موضوعاتی نظیر تنگه هرمز و رفع محاصره دریایی تعیین تکلیف می شود.

در شرایطی که بسیاری از مراکز مطالعاتی حوزه انرژی جهان و همچنین فاتح بیرو، مدیر اجرایی آژانس بین المللی انرژی، نسبت به

پایان اثر سیاست‌های مسکنی خانه سینما

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

اقت فروش و مخاطب در هفته گذشته رانمی توان صرفاً یک نوسان طبیعی هفتگی دانست. این کاهش در شرایطی رخ داده که طی ماه‌های اخیر مجموعه‌ای از تصمیمات برای مدیریت بازار سینما و تحریک تقاضا اجرا شده بود؛ از جمله افزایش روزهای بلیت نیم‌بها به دو روز در هفته و در مقابل، بالا رفتن میانگین قیمت بلیت در روزهای عادی.

در ظاهر، دو روز نیم‌بها می‌توانست به افزایش مراجعه مخاطب کمک کند؛ به ویژه برای خانواده‌ها، دانشجویان و گروه‌هایی که قیمت بلیت برایشان عامل تعیین‌کننده است. اما تجربه هفته‌های اخیر نشان می‌دهد این سیاست بیشتر شبیه یک مسکن کوتاه‌مدت عمل کرده است. یعنی ممکن است در مقطعی بخشی از مخاطبان را به روزهای ارزان‌تر منتقل کرده باشد، اما نتوانسته موج تازه و پایدار تماشاگران را به سالن‌ها برگرداند. از سوی دیگر، افزایش متوسط قیمت بلیت باعث شده سینما رفتن در روزهای عادی برای بخشی از مخاطبان به انتخابی پرهزینه‌تر تبدیل شود. نتیجه چنین ترکیبی این است که مخاطب بخشی از تقاضا به روزهای نیم‌بها فشرده شده و در سایر روزها سالن‌ها کم‌رمق‌تر شده‌اند. به بیان دیگر، سیاست نیم‌بها کردن دو روز هفته اگر با برنامه‌ای جدی برای تقویت اکران، تنوع ژانرو بهبود تجربه تماشای فیلم همراه نباشد، تنها زمان خرید بلیت را جابه‌جا می‌کند، نه اینکه الزاماً مخاطب تازه بسازد. تصمیمات دیگری مانند تغییر در شیوه قیمت‌گذاری، افزایش نرخ بلیت، مدیریت سانس‌ها و تلاش برای حمایت از اکران فیلم‌های جدید نیز تا زمانی که به مسئله اصلی پاسخ ندهند، اثر محدودی خواهند داشت. مسئله اصلی این است که مخاطب باید برای رفتن به سینما انگیزه کافی داشته باشد؛ انگیزه‌ای که فقط با تخفیف ساخته نمی‌شود.

اکنون آمار هفته گذشته نشان می‌دهد اثر اولیه این سیاست‌ها کاهش یافته است. اگر در هفته‌ای که سینما هشت فیلم تازه روی پرده دارد، باز هم مخاطب با افت هفده هزار نفری مواجه می‌شود، یعنی مشکل فقط قیمت بلیت یا تعداد روزهای نیم‌بها نیست. سینما برای بازگرداندن تماشاگران به سالن‌ها نیازمند اقداماتی بنیادی‌تر است؛ از تولید فیلم‌های متنوع‌تر و پرکشش‌تر گرفته تا حتی نمایش آثار خارجی، بازنگری در ترکیب اکران، تقویت سالن‌های شهرستان، ایجاد تجربه بهتر برای خانواده‌ها و طراحی بسته‌های تشویقی هوشمندانه‌تر.

به نظر می‌رسد سیاست‌های اخیر توانسته‌اند برای مدتی کوتاه از شدت بحران بکاهند، اما حالا نشانه‌های تازه‌ای از کاهش اثرگذاری آن‌ها دیده می‌شود. گیشه برای احیاشدن، بیش از مسکن، به درمان نیاز دارد؛ درمانی که از شناخت دقیق رفتار مخاطب و اصلاح جدی چرخه تولید، اکران و عرضه آغاز می‌شود.

رشد کم سابقه تولید فیلم‌های اجتماعی در سال‌های اخیر و شکاف با مخاطب

صف طولانی فیلم‌های اجتماعی پشت درهای بسته اکران

به ۷ فیلم، در ۱۴۰۳ حدود ۱۷ فیلم و در ۱۴۰۴ بیش از ۵۳ فیلم بوده است، مقایسه با سال ۱۴۰۰ و قبل از آن که تنها ۱۳ فیلم اجتماعی در صف تولید یا اکران داشتند، نشان می‌دهد با یک انفجار کمی در این ژانر مواجه هستیم.

براساس آمارهای موجود از وضعیت اکران و تولید، حدود ۹۰ فیلم اجتماعی در صف نمایش قرار دارند؛ عددی که نسبت به سال‌های گذشته جهشی قابل توجه را نشان می‌دهد. در حالی که این رقم در سال ۱۴۰۱ حدود ۵ فیلم، در ۱۴۰۲ نزدیک



سعید مصباح

منتقد سینما

مسئله اصلی اینجاست که این رشد ظاهری، لزوماً به معنای رونق بازار یا افزایش مخاطب نیست، بلکه نشانه‌ای از نوعی فاصله گرفتن از واقعیت مصرف فرهنگی جامعه به نظر می‌رسد. عدم اقبال تماشاگران به شبه‌ژانر اجتماعی، این روزها بیش از هر زمان دیگری خودش را نشان می‌دهد. شبه‌ژانری که سال‌ها به عنوان یکی از جدی‌ترین و قابل‌انتکاترین ساحت‌های سینمای ایران شناخته می‌شد، حالا درگیر نوعی تراکم و اشباع تولید شده است؛ تراکمی که در صف اکران خودش را نشان می‌دهد اما در گیشه و میزبان استقبال مخاطب، چندان بازتابی ندارد.

در ظاهر، افزایش تعداد فیلم‌های اجتماعی می‌تواند نشانه‌ای مثبت تلقی شود؛ نشانه‌ای از توجه بیشتر سینماگران به مسائل واقعی جامعه. اما وقتی این افزایش از یک روند تدریجی خارج شده و به یک جهش ناگهانی تبدیل می‌شود، باید پرسید این حجم تولید دقیقاً از کجا آمده و به کجا قرار است برسد. جهش از ۱۷ فیلم در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۵۰ فیلم در سال ۱۴۰۴، بیش از آن که نشانه رشد طبیعی باشد، به نظر می‌رسد حاصل یک تغییر جهت در رفتار تولیدکنندگان است.

واقعیت این است که در سال‌های اخیر، با سلطه نسبی کمدی‌ها بر گیشه، بخش مهمی از سینماگران به این جمع‌بندی رسیده‌اند که سینمای اجتماعی همچنان «جدی‌تر» و «قابل دفاع‌تر» است؛ حتی اگر تضمینی برای بازگشت سرمایه وجود نداشته باشد. نتیجه چنین تصویری، ورود تعداد زیادی فیلم به این حوزه بدون توجه

کافی به ظرفیت واقعی بازار بوده است. اما بازار سینما برخلاف تصور تولیدکننده‌ها، با «نیت» کار نمی‌کند؛ با «تماشاگر» کار می‌کند. وقتی حجم تولید از ظرفیت جذب مخاطب پیشی می‌گیرد، نتیجه چیزی جز انباشت فیلم‌هایی نیست که در صف اکران می‌مانند یا در بهترین حالت، با فروش محدود و کم‌رمق روبه‌رو می‌شوند.

از سوی دیگر، مسئله فقط تعداد فیلم‌ها نیست؛ مسئله مهم‌تر، نسبت این آثار با جامعه است. بخشی از سینمای اجتماعی امروز، به جای آن که بازتاب دقیق و به‌روز از تحولات اجتماعی باشد، درگیر تکرار الگوهای آشنا، روایت‌های تلخ قابل پیش‌بینی و فرمول‌هایی شده که سال‌هاست در سینمای ایران تکرار می‌شوند. همین فاصله باعث شده مخاطب عمومی، که امروز انتخاب‌های متنوع‌تری در پلتفرم‌ها و شبکه‌های اجتماعی دارد، ارتباط سابق را با این نوع سینما از دست بدهد.

در چنین شرایطی، می‌توان گفت مشکل اصلی سینمای اجتماعی ایران نه «کمبود تولید»، بلکه «عقب‌ماندن از مسائل جامعه» است. جامعه تغییر کرده، سرعت مصرف محتوا بالا رفته و سلیقه مخاطب متنوع‌تر شده؛ اما بخشی از تولیدات همچنان با منطق گذشته ساخته می‌شوند.

نتیجه این شکاف روشن است: افزایش عددی آثار، بدون افزایش واقعی مخاطب. و در نهایت، شکل‌گیری صفی طولانی از فیلم‌هایی که بیشتر از آن که به سالن سینما برسند، در چرخه انتظار باقی می‌مانند؛ چرخه‌ای که اگر اصلاح نشود، می‌تواند این ژانر را از یک جریان مؤثر به یک انباشت کم‌اثر تبدیل کند.

برنامه با اجرای زنده «جهله‌نگاری» آغاز خواهد شد؛ جایی که هنرمندان نقش‌پردازی روی «جهله»های سفالی جنوب را پیش چشم مخاطبان انجام می‌دهند و از دل فرم‌های آیینی، پلی میان فرهنگ بومی و سوگ معاصر می‌سازند. در ادامه، پرفورمنس «جستجوی حقیقت در خاک جنوب» اجرا خواهد شد. این اجرا با زبان نمادین حرکت و تصویر، مخاطبان را به تأمل درباره ریشه‌های حادثه و لایه‌های نادیده‌مانده‌ی آن دعوت می‌کند. اوج رویداد، اجرای کوارتت بادی «از میان آوار» با آهنگسازی میلاد آقایی خواهد بود؛ قطعه‌ای که قرار است با حال‌وهوایی حزن‌آلود و روایی، صداهای گمشده‌ی جنوب را در فضای موزه طنین‌انداز کند و تجربه‌ای احساسی و جمعی را رقم بزند. «نقشی بر میناب» با همراهی هنرمندان، پژوهشگران و خانواده‌های داغ‌دار برگزار خواهد شد و انتظار می‌رود به یکی از مهم‌ترین آیین‌های هنری امسال بدل شود؛ آیینی که هدفش تبدیل رنج به روایت و تبدیل روایت به حافظه جمعی است.



در روزهای پیش‌رو، موزه هنرهای معاصر تهران میزبان رویداد هنری و یادبود «نقشی بر میناب» خواهد بود؛ آیینی که با رویکردی بینارسانه‌ای، قرار است یاد و نام قربانیان حادثه میناب را زنده نگه دارد.

■ صاحب امتیاز:

محسن منصوری

■ مدیر مسئول:

حمیدرضا بیانی

■ تلفن:

۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲

■ کدپستی:

۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قزنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج

■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگ

C U L T U R A L

یکشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۶۳

یادداشت

فردوسی پور هم نیروی نیابتی دارد!

ایمان عظیمی
روزنامه‌نگار

تا زمانی که تنها صداسیما متولی تولید محتوای سرگرم‌کننده بود، بخش خصوصی دائم نق می‌زد و شکایت می‌کرد که چرا ما در کشور خود تلویزیون خصوصی نداریم تا بتواند به واسطه آن تمام سلیاق موجود را انعکاس دهد. بسیار خوب، این حرف روی کاغذ به ظاهر منطقی به نظر می‌رسید و آدمی را به فکر وامی‌داشت که واقعا چرا باید تلویزیون رسمی کشور به‌تهایی تمام بار تولید محتوا برای مخاطبان میلیون‌ها به دوش بکشد، آنهم در حالیکه ظرفیت عظیمی پشت درهای سازمان برای انجام این امر وجود دارد! پس نباید سخت‌گرفت و اجازه داد که بقیه هم با تمام ظرفیت و توان‌شان به میدان بیایند و به رقابت سالم با رسانه ملی بپردازند. سال‌ها بعد اگرچه ما سازوکاری مثل صداسیما نداشتیم، اما پلتفرم‌ها با برخورداری از اقتصاد سیاسی قدرتمندی که پشت‌شان قرار گرفته بود توانستند به رقیبی برای صداسیما تبدیل شوند.

یکی از این برنامه‌ها «فوتبال ۳۶۰» با محوریت مجری مخلوع تلویزیون، عادل فردوسی‌پور است که از همان آغاز دست بر روی شکاف میان بخشی از طبقه متوسط و نظام گذاشت تا بتواند از این نمد کلاهی برای خود بپافد. به‌تازگی، یکی از نوچه‌های مجری برنامه به تاریخ پیوسته شود در به‌اصطلاح محتوایی که برای جام جهانی ۲۰۲۶ تدارک دیده کارهای کرده است که اگر از طرف مقابل سر می‌زد، امثال فردوسی‌پور برایش دست می‌گرفتند و در فضای واقعی و مجازی بی‌آبرویش می‌کردند.

این فرد، یعنی ابوطالب حسینی در گفت‌وگو با نابینایی که در حاشیه یکی از بازی‌های پرسپولیس به «علی پروین» توهین کرده بود قرار گرفت تا حمله، فحش و ناسزا به کسانی که مانند او و اربابش فکر نمی‌کنند را عادی جلوه دهد. مسئله مهم‌تر اما آنجاست که فردوسی‌پور به عنوان اسطوره سواد و آداب‌دانی آنقدر جرئت ندارد که برای عقده‌کشایی از خودش مایه بگذارد و افراد بی‌مایه‌تر از خویش را جلوی دوربین می‌فرستد تا این وظیفه را انجام دهند. آری، برون‌سپاری تولید محتوا به بخش خصوصی، آنهم وقتی که قوانین مشخص و مدونی در زمینه تنظیم‌گری وجود نداشته باشد این بلاها و فجایع را هم به بار می‌آورد.